

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾

فولادوند: الف لام راء کتابی است که آیات آن استحکام یافته سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است

مکارم: الر - این کتابی است که آیاتش استحکام یافته سپس تشریح شده، از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده است).

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾

فولادوند: که جز خدا را نپرستید به راستی من از جانب او برای شما هشداردهنده و بشارتگر

مکارم: (دعوت من این است) که جز الله را نپرستید، من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام.

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ
وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾

فولادوند: و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین

بهره‌مند سازد و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم

مکارم: و اینکه از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید تا بطرز نیکویی شما را تا مدت معین (از مواهب زندگی این جهان) بهره‌مند سازد، و به هر صاحب فضیلتی بمقدار فضیلتش ببخشد، و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم.

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

فولادوند: بازگشت شما به سوی خداست و او بر هر چیزی تواناست

مکارم: (بدانید) بازگشت شما به سوی الله است و او بر هر چیز قادر است.

أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ لَيَسْتَخْفُوا مِنْهُ إِلَّا حِينَ يَسْتَعْشُونَ تِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

فولادوند: آگاه باشید که آنان دل می‌گردانند [و می‌کوشند] تا [راز خود را] از او نهفته دارند آگاه باشید آنگاه که آنان جامه‌هایشان

را بر سر می‌کشند [خدا] آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند می‌داند زیرا او به اسرار سینه‌ها داناست

مکارم: آگاه باشید هنگامی که آنها (سرها را بهم نزدیک ساخته و سینه‌هایشان را در کنار هم قرار می‌دهند تا خود (و سخنان خویش) را از او (پیامبر) پنهان دارند آگاه باشید آنگاه که آنها لباسهایشان را بخود می‌پیچند و خویش را در آن پنهان می‌دارند (خداوند) از درون و برون آنها با خبر است، چرا که او از اسرار درون سینه‌ها آگاه است.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

فولادوند: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست و [او] قرارگاه و محل مردنش را می‌داند همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است

مکارم: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خدا است، او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند، همه اینها در کتاب آشکاری (لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾

فولادوند: و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید و اگر بگویید شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعا کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت این [ادعا] جز سحری آشکار نیست

مکارم: او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید و عرش (قدرت) او بر آب قرار داشت، (بخاطر این آفرید) تا شما را آزمایش کند تا کدامیک عملتان بهتر است و اگر بگوئید شما بعد از مرگ برانگیخته می‌شوید مسلما کافران می‌گویند این سحر آشکاری است!

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ ﴿٨﴾

فولادوند: و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تاخیر افکنیم حتما خواهند گفت چه چیز آن را باز می‌دارد آگاه باش روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت

مکارم: و اگر مجازات را تا زمان محدود از آنها به تاخیر اندازیم (از روی استهزا) می‌گویند چه چیز مانع آن شده؟! آگاه باشید آن روز که به سراغشان می‌آید هیچ چیز مانع آن نخواهد بود و آنچه را مسخره می‌کردند دامانشان را می‌گیرد!

وَلَئِنْ أَدَقْنَا لِلْإِنْسَانِ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ ﴿٩﴾

فولادوند: و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم سپس آن را از وی سلب کنیم قطعا نومید و ناسپاس خواهد بود

مکارم: و اگر به انسان نعمتی بچشانیم سپس از او بگیریم بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود.

وَلَئِنْ أَدَقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ ﴿١٠﴾

فولادوند: و اگر پس از محنتی که به او رسیده نعمتی به او بچشانیم حتما خواهد گفت گرفتاریها از من دور شد بی‌گمان او شادمان و فخرفروش است

مکارم: و اگر نعمتهائی پس از شدت و ناراحتی به او برسانیم می‌گوید مشکلات از من بر طرف شد و دیگر باز نخواهد گشت و

غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می‌شود.

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾

فولادوند: مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند [که] برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود
مکارم: مگر آنها که (در سایه ایمان راستین) صبر و استقامت ورزیدند و عمل صالح انجام دادند، که برای آنها آمرزش و اجر بزرگی است.

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكَ
إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾

فولادوند: و مبدا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می‌شود ترك گویی و سینه‌ات تنگ گردد که می‌گویند چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامده است تو فقط هشداردهنده‌ای و خدا بر هر چیزی نگهبان است
مکارم: شاید ابلاغ بعض آیاتی را که به تو وحی می‌شود به تاخیر می‌اندازی و سینه‌ات از این جهت تنگ (و ناراحت) می‌شود که می‌گویند چرا گنجی بر او نازل نشده و یا چرا فرشته‌های همراه او نیامده است؟ (ابلاغ کن و نگران و ناراحت مباش چرا که) تو فقط بیم دهنده (و بیانگر اعلام خطرهای الهی) هستی و خداوند نگهبان و ناظر بر همه چیز است (و به حساب آنان می‌رسد).

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾

فولادوند: یا می‌گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویند ده سوره برساخته‌شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید
مکارم: بلکه آنها می‌گویند این (قرآن) را بدروغ (به خدا) نسبت می‌دهد، بگو اگر راست می‌گویند شما هم ده سوره همانند این سوره‌های دروغین بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید غیر از خدا (برای این کار) دعوت کنید.

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

فولادوند: پس اگر شما را اجابت نکردند بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست پس آیا شما گردن می‌نهدید

مکارم: و اگر آنها دعوت شما را نپذیرفتند بدانید با علم الهی نازل شده و هیچ معبودی جز او نیست آیا با اینحال تسلیم می‌شوید؟

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾

فولادوند: کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد

مکارم: کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را طالب باشند اعمالشان را در این جهان بیکم و کاست به آنها می‌دهیم:

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

فولادوند: اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آنجا کرده‌اند به هدر رفته و آنچه انجام می‌داده‌اند باطل گردیده است

مکارم: (ولی) آنها در آخرت جز آتش (سهمی) نخواهند داشت و آنچه را در دنیا (برای نیل به مقاصد مادی و برای غیر خدا) انجام دادند بر باد می‌رود و اعمالشان باطل می‌شود.

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مَرِيَّةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِّن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾

فولادوند: آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهدهی از [خویشان] او پیرو آن است و پیش از وی [نیز] کتاب موسی را هب و مایه رحمت بوده است [دروغ می‌بافد] آنان [که در جستجوی حقیقت‌اند] به آن می‌گروند و هر کس از گروه‌های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست پس در آن تردید مکن که آن حق است [و] از جانب پروردگارت [آمده است] ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند

مکارم: آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و بدنبال آن شاهدهی از سوی او می‌باشد و پیش از آن کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن میدهد همچون کسی است که چنین نباشد آن (حق طلبان و حقیقت جوین) به او (که دارای این ویژگی‌هاست) ایمان می‌آورند و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود آتش وعده‌گاه اوست، بنابراین تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت ولی اکثر مردم ایمان نمی‌آورند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾

فولادوند: و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بزند آنان بر پروردگارشان دروغ عرضه می‌شوند و گواهان خواهند گفت اینان بودند که بر پروردگارشان دروغ بستند هان لعنت‌خدا بر ستمگران باد

مکارم: چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا افترا می‌بندند، آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند و شاهدان (پیامبران و فرشتگان) می‌گویند اینها همانها هستند که به پروردگار دروغ بستند. لعنت خدا بر ظالمان باد!

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾

فولادوند: همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود آخرت را باور ندارند

مکارم: همانها که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند و راه حق را کج و معوج نشان می‌دهند و به سرای آخرت کافرند.

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: آنان در زمین درمانده‌کنندگان [خدا] نیستند و جز خدا دوستانی برای آنان نیست عذاب برای آنان دو چندان می‌شود آنان توان شنیدن [حق را] نداشتند و [حق را] نمی‌دیدند

مکارم: آنها هیچگاه توانائی فرار در زمین ندارند و جز خدا دوستان و پشتیبانانی نمی‌یابند عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود (چرا که هم گمراه بودند و هم دیگران را به گمراهی کشانند)، آنها هرگز توانائی شنیدن (حق را) نداشتند و حقایق را نمی‌دیدند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾

فولادوند: اینانند که به خویشتن زبان زده و آنچه را به دروغ برساخته بودند از دست داده‌اند

مکارم: آنان کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست دادند و تمام معبودهای دروغین از نظرشان گم شدند.

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: شك نیست که آنان در آخرت زیانکارترند

مکارم: (بهمین دلیل) آنها مسلما در سرای آخرت از همه زیانکارترند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و [با فروتنی] به سوی پروردگارشان آرام یافتند آنان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود

مکارم: آنها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و در برابر خداوند خاضع و تسلیم بودند، آنها یاران بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

فولادوند: مثل این دو گروه چون نابینا و کر [در مقایسه] با بینا و شنواست آیا در مثل یکسانند پس آیا پند نمی‌گیرید

مکارم: حال این دو گروه (مؤمنان و منکران) حال نابینا و کر و بینا و شنوا است آیا این دو همانند یکدیگرند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾

فولادوند: و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم [گفت] من برای شما هشداردهنده‌ای آشکارم

مکارم: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم (نخستین بار به آنها گفت:) من برای شما بیم دهنده‌ای آشکارم.

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾

فولادوند: که جز خدا را نپرستید زیرا من از عذاب روزی سهمگین بر شما بیمناکم

مکارم: (دعوت من این است که) جز الله (خدای واحد یکتا) را نپرستید که بر شما از عذاب روز دردناکی می‌ترسم!

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا أَنْ يَبِيدُوا
الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَازِبِينَ ﴿٢٧﴾

فولادوند: پس سران قومش که کافر بودند گفتند ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم و جز [جماعتی از] فرومایگان ما آن هم
نسنجیده نمی‌بینیم کسی تو را پیروی کرده باشد و شما را بر ما امتیازی نیست بلکه شما را دروغگو می‌دانیم

مکارم: اشراف کافر قومش (در پاسخ) گفتند ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم، و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند جز
گروهی ارادل ساده لوح نمی‌یابیم، و فضیلتی برای شما نسبت به خود مشاهده نمی‌کنیم بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم.

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ
لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾

فولادوند: گفت ای قوم من به من بگوئید اگر از طرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد
که بر شما پوشیده است آیا ما [باید] شما را در حالی که بدان اگراه دارید به آن وادار کنیم

مکارم: (نوح) گفت: اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم و از نزد خود رحمتی بمن داده باشد که بر شما مخفی مانده
(آیا باز هم رسالت مرا انکار می‌کنید؟). آیا من می‌توانم شما را به پذیرش این بینه مجبور سازم با اینکه شما آمادگی ندارید؟

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي
أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: و ای قوم من بر این [رسالت] مالی از شما درخواست نمی‌کنم مزد من جز بر عهده خدا نیست و کسانی را که ایمان
آورده‌اند طرد نمی‌کنم قطعا آنان پروردگارشان را دیدار خواهند کرد ولی شما را قومی می‌بینم که نادانی می‌کنید

مکارم: ای قوم: من در برابر این دعوت اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم، اجر من تنها بر الله است، و من آنها را که ایمان آورده‌اند
(بخاطر شما) از خود طرد نمی‌کنم چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد (و در دادگاه قیامت خصم من خواهند بود) ولی
شما را قوم جاهلی می‌بینم.

وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: و ای قوم من اگر آنان را برانم چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد آیا عبرت نمی‌گیرید

مکارم: ای قوم! چه کسی مرا در برابر (مجازات خدا) یاری می‌دهد اگر آنها را طرد کنم! آیا اندیشه نمی‌کنید؟

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾

فولادوند: و به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خدا پیش من است و غیب نمی‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و در باره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می‌نگرد نمی‌گویم خدا هرگز خیرشان نمی‌دهد خدا به آنچه در دل آنان است آگاه‌تر است [اگر جز این بگویم] من در آن صورت از ستمکاران خواهم بود

مکارم: من هرگز به شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است و نمی‌گویم غیب می‌دانم و نمی‌گویم من فرشته‌ام و (نیز) نمی‌گویم آنها که در نظر شما خوار می‌آیند خداوند خیری به آنها نخواهد داد، خدا از دل آنها آگاه‌تر است (من اگر با اینحال آنها را برانم) در این صورت از ستمکاران خواهم بود.

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: گفتند ای نوح واقعا با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی پس اگر از راستگویی آنچه را [از عذاب خدا] به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور

مکارم: گفتند ای نوح: با ما جر و بحث کردی، و زیاد سخن گفتی (بس است) اکنون اگر راست می‌گوئی آنچه را بما وعده می‌دهی (از عذاب الهی) بیاور!

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: گفت تنها خداست که اگر بخواهد آن را برای شما می‌آورد و شما عاجز کننده [او] نخواهید بود

مکارم: (نوح) گفت اگر خدا اراده کند خواهد آورد و شما قدرت فرار نخواهید داشت!

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و اگر بخواهم شما را اندرز دهم در صورتی که خدا بخواهد شما را بیراه گذارد اندرز من شما را سودی نمی‌بخشد او پروردگار شماست و به سوی او باز گردانیده می‌شوید

مکارم: (اما چه سود که) هر گاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد و من بخواهم شما را اندرز دهم اندرز من فایده‌ای بحالتان نخواهد داشت، او پروردگار شماست و به سوی او بازگشت خواهید نمود.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلِيَ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرَمُونَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: یا [در باره قرآن] می‌گویند آن را برافته است بگو اگر آن را به دروغ سر هم کرده‌ام گناه من بر عهده خود من است و [لی] من از جرمی که به من نسبت می‌دهید برکنارم

مکارم: (مشرکان) می‌گویند او (محمد) این سخنان را بدروغ بخدا نسبت داده بگو اگر من اینها را از پیش خود ساخته باشم و به او

نسبت دهم گناهی بر عهده من است ولی من از گناهان شما بیزارم.

وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده‌اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد پس از آنچه می‌کردند غمگین مباش

مکارم: به نوح وحی شد که جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده‌اند دیگر هیچکس از قوم تو ایمان نخواهد آورد بنابراین از کارهایی که می‌کنند غمگین مباش.

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و در باره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگوی چرا که آنان غرق شدنی‌اند

مکارم: و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما کشتی بساز و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن که آنها غرق شدنی هستند.

وَيَصْنَعِ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُونَ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾

فولادوند: و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هر بار که اشرافی از قومش بر او می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند می‌گفت اگر ما را مسخره می‌کنید ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می‌کنید مسخره خواهیم کرد

مکارم: او مشغول ساختن کشتی بود و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند، (ولی نوح) گفت اگر ما را مسخره می‌کنید ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد:

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّثِيمٌ ﴿٣٩﴾

فولادوند: به زودی خواهید دانست چه کسی را عذابی خوارکننده درمی‌رسد و بر او عذابی پایدار فرود می‌آید

مکارم: بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش خواهد آمد و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾

فولادوند: تا آنگاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی يك جفت با کسانت مگر کسی که قبلا در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده‌اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند

مکارم: (این وضع همچنان ادامه یافت) تا فرمان ما فرا رسید و تنور جوشیدن گرفت، (به نوح) گفتیم از هر جفتی از حیوانات (نر و

ماده) يك زوج در آن (کشتی) حمل کن، همچنین خاندانت را مگر آنها که قبلا وعده هلاک آنان داده شده (همسر نوح و یکی از فرزندان) و همچنین مؤمنان را، اما جز عده کمی به او ایمان نیاوردند

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾

فولادوند: و [نوح] گفت در آن سوار شوید به نام خداست روان‌شدنش و لنگرانداختنش بی گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است **مکارم:** او گفت بنام خدا بر آن سوار شوید و به هنگام حرکت و توقف آن یاد او کنید، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش

مکارم: و او آنها را از لابلای امواجی همچون کوهها حرکت میداد، (در این هنگام) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای قرار داشت فریاد زد، پسر من: همراه ما سوار شو و با کافران مباش:

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: گفت به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد گفت امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاهدارنده‌ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق‌شدگان گردید

مکارم: گفت به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند، گفت امروز هیچ حافظی در برابر فرمان خدا نیست، مگر آن کس را که او رحم کند، در این هنگام موجی در میان آندو حائل شد و او در زمره غرق‌شدگان قرار گرفت

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: و گفته شد ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر قوم ستمکار

مکارم: و گفته شد ای زمین آبت را فرو بر، و ای آسمان خودداری کن، و آب فرو نشست و کار پایان یافت، و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی پهلو گرفت و (در این هنگام) گفته شد: دور باد قوم ستمگر!

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾

فولادوند: و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی

مکارم: نوح به پروردگارش عرض کرد پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم کنندگان برتری.

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی

مکارم: فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است، بنابراین آنچه را از آن آگاه نیستی از من نخواه، من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: گفت پروردگارا من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم

مکارم: عرض کرد: پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم، و هر گاه مرا نبخشی و بر من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود.

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنَمْتِعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾

فولادوند: گفته شد ای نوح با درودی از ما و برکت‌هایی بر تو و بر گروه‌هایی که با تو اند فرود آی و گروه‌هایی هستند که به زودی برخوردارشان می‌کنیم سپس از جانب ما عذابی دردناک به آنان می‌رسد

مکارم: (به نوح) گفته شد: ای نوح! با سلامت و برکت از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو اند، فرود آی، و امت‌هایی نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره مند می‌سازیم سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می‌رسد.

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو پس شکبیا باش که فرجام [نیک] از آن تقوایبشگان است

مکارم: اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می‌کنیم، نه تو و نه قوم تو اینها را قبل از این نمی‌دانستید، بنابراین

صبر و استقامت کن که عاقبت از آن پرهیزکاران است.

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾

فولادوند: و به سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم هود] گفت ای قوم من خدا را بپرستید جز او هیچ معبودی برای شما نیست شما فقط دروغ پردازید

مکارم: (ما) بسوی (قوم) عاد، برادرشان هود را فرستادیم، (به آنها) گفت ای قوم من! الله را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست، شما فقط تهمت می‌زنید.

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾

فولادوند: ای قوم من برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است نیست پس آیا نمی‌اندیشید

مکارم: ای قوم من! من از شما پاداشی نمی‌طلبم پاداش من فقط بر کسی است که مرا آفریده، آیا نمی‌فهمید؟

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾

فولادوند: و ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید و تبهکارانه روی بر مگردانید

مکارم: و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید سپس به سوی او باز گردید تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد و نیروئی بر نیروی شما بیفزاید، و روی (از حق) بر نتابید و گناه نکنید.

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾

فولادوند: گفتند ای هود ما دلیل روشنی نیاوردی و ما برای سخن تو دست از خدایان خود برنمی‌داریم و تو را باور نداریم
مکارم: گفتند: ای هود! تو دلیلی برای ما نیاورده‌ای، و ما خدایان خود را به خاطر حرف تو رها نخواهیم کرد، و ما (اصلاً) به تو ایمان نمی‌آوریم!

إِن نُّقُولُ إِلَّا اِعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

فولادوند: [چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند گفت من خدا را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم

مکارم: ما فقط (درباره تو) می‌گوئیم بعضی از خدایان ما به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده‌اند) (نوح) گفت من خدا را به شهادت می‌طلبم شما نیز گواه باشید که من از آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید بیزارم!

مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ﴿٥٥﴾

فولادوند: پس همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید

مکارم: از آنچه غیر او (می پرستید) حال که چنین است همگی برای من نقشه بکشید و مرا مهلت ندهید (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

﴿٥٦﴾

فولادوند: در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد به راستی پروردگار من بر راه راست است

مکارم: چرا که من توکل بر الله که پروردگار من و شما است کرده‌ام، هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او بر وی تسلط دارد (اما سلطه‌ای توام با عدالت چرا که) پروردگار من بر صراط مستقیم است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٥٧﴾

فولادوند: پس اگر روی بگردانید به یقین آنچه را که به منظور آن به سوی شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم و پروردگارم قومی جز شما را جانشین [شما] خواهد کرد و به او هیچ زبانی نمی‌رسانید در حقیقت پروردگارم بر هر چیزی نگاهبان است

مکارم: و اگر روی برگردانید من رسالتی را که مامور بودم به شما رساندم و خداوند گروه دیگری را جانشین شما می‌کند و شما کمترین ضرری به او نمی‌رسانید پروردگار من حافظ و نگاهبان هر چیز است.

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾

فولادوند: و چون فرمان ما در رسید هود و کسانی را که با او گرویده بودند به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم

مکارم: و هنگامی که فرمان ما فرا رسید هود و آنها را که با او ایمان آورده بودند به رحمت خود نجات بخشیدیم و از عذاب شدید آنها را رها ساختیم.

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾

فولادوند: و این [قوم] عاد بود که آیات پروردگارش را انکار کردند و فرستادگانش را نافرمانی نمودند و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه‌جوی رفتند

مکارم: و این قوم عاد بود که آیات پروردگارش را انکار کردند و رسولان او را معصیت نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق

پیروی کردند.

وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾

فولادوند: و [سرانجام] در این دنیا و روز قیامت لعنت بدرقه [راه] آنان گردید آگاه باشید که عادیان به پروردگارشان کفر ورزیدند همان مرگ بر عادیان قوم هود

مکارم: بدنبال آنها در این جهان لعنت (و نام ننگین) ماند و در قیامت (گفته می‌شود) بدانید عاد نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند، دور باد عاد، قوم هود، (از رحمت خدا و خیر و سعادت).

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿٦١﴾

فولادوند: و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را پرستید برای شما هیچ معبودی جز او نیست او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد پس از او آمرزش بخواهید آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده است

مکارم: و به سوی (قوم) ثمود برادرشان صالح را فرستادیم، گفت: ای قوم من! الله را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست، او است که شما را از زمین آفرید و آبادی آنرا به شما واگذار نمود، از او آمرزش بطلبید سپس به سوی از باز گردید که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک و اجابت‌کننده (تقاضاهای آنها) است.

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

فولادوند: گفتند ای صالح به راستی تو پیش از این میان ما مایه امید بودی آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز می‌داری و بی‌گمان ما از آنچه تو ما را بدان می‌خوانی سخت دچار شکیم

مکارم: گفتند ای صالح! تو پیش از این مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند نهی می‌کنی؟ و ما در مورد آنچه ما را به سوی آن دعوت می‌کنی در شك و تردید هستیم.

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي مِنْهُ رَحْمَةٌ فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿٦٣﴾

فولادوند: گفت ای قوم من چه بینید اگر [در این دعوا] بر حجتی روشن از پروردگار خود باشم و از جانب خود رحمتی به من داده باشد پس اگر او را نافرمانی کنم چه کسی در برابر خدا مرا یاری می‌کند در نتیجه شما جز بر زیان من نمی‌افزاید

مکارم: گفت: ای قوم من! آیا اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم و رحمت او به سراغ من آمده باشد (می‌توانم از ابلاغ رسالت او سرپیچی کنم) اگر من نافرمانی او کنم چه کسی می‌تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟ بنابراین (سخنان) شما

چیزی جز اطمینان به زیانکار بودنتان بر من نمی‌افزاید

وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

﴿٦٤﴾

فولادوند: و ای قوم من این ماده‌شتر خداست که برای شما پدیده‌ای شگرف است پس بگذارید او در زمین خدا بخورد و آسپیش مرسانید که شما را عذابی زودرس فرو می‌گیرد

مکارم: ای قوم من! این ناقه خداوند است که برای شما دلیل و نشانه‌ای است بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود و هیچگونه آزاری به آن نرسانید که بزودی عذاب خدا شما را فرو خواهد گرفت.

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكُمْ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾

فولادوند: پس آن [ماده‌شتر] را پی کردند و [صالح] گفت سه روز در خانه‌هایتان برخوردار شوید این وعده‌ای بی‌دروغ است
مکارم: (اما) آنها آن را از پای در آوردند و او به آنها گفت (مهلت شما تمام شده) سه روز در خانه‌هاتان متمتع گردید (و بعد از آن عذاب الهی فرا خواهد رسید) این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود.

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

﴿٦٦﴾

فولادوند: پس چون فرمان ما در رسید صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمت خود رهانیدیم و از رسوایی آن روز [نجات دادیم] به یقین پروردگار تو همان نیرومند شکست‌ناپذیر است

مکارم: هنگامی که فرمان ما (دائر به مجازات این قوم) فرا رسید صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز رهائی بخشیدیم چرا که پروردگارت قوی و شکست‌ناپذیر است.

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٦٧﴾

فولادوند: و کسانی را که ستم ورزیده بودند آن بانگ [مرگبار] فرا گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند

مکارم: و آنها را که ستم کرده بودند صیحه (آسمانی) فرو گرفت و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند!

كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا إِلَّا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا بَعْدًا لِّتَمُودَ ﴿٦٨﴾

فولادوند: گویا هرگز در آن [خانه‌ها] نبوده‌اند آگاه باشید که تمودیان به پروردگارشان کفر ورزیدند هان مرگ بر تمود

مکارم: آنچنان که گوئی هرگز ساکن آن دیار نبودند بدانید قوم تمود پروردگارشان را انکار کردند دور باد قوم تمود (از رحمت پروردگارا!).

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلْنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ ﴿٦٩﴾

فولادوند: و به راستی فرستادگان ما برای ابراهیم مزده آوردند سلام گفتند پاسخ داد سلام و دیری نپایید که گوساله‌ای بریان آورد
مکارم: فرستادگان ما با بشارت نزد ابراهیم آمدند گفتند: سلام (او نیز) گفت سلام، و طولی نکشید که گوساله بریانی (برای آنها) آورد.

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ لُوطٍ ﴿٧٠﴾

فولادوند: و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شود آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت گفتند مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم
مکارم: (اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی‌رسد (و از آن نمی‌خورند) آنها را زشت شمرد و در دل احساس ترس نمود (اما به زودی) به او گفتند نترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شدیم.

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

فولادوند: و زن او ایستاده بود خندید پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مزده دادیم
مکارم: و همسرش ایستاده بود خندید او را بشارت به اسحاق و پس از او یعقوب دادیم.

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

فولادوند: [همسر ابراهیم] گفت ای وای بر من آیا فرزند آورم با آنکه من پیرزنم و این شوهرم پیرمرد است واقعا این چیز بسیار عجیبی است
مکارم: گفت: ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالی که پیرزنم و این شوهرم پیر مردی است این راستی چیز عجیبی است.

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾

فولادوند: گفتند آیا از کار خدا تعجب می‌کنی رحمت‌خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد بی‌گمان او ستوده‌ای بزرگوار است

مکارم: گفتند از فرمان خدا تعجب می‌کنی این رحمت‌خدا و برکاتش بر شما خانواده است چرا که او حمید و مجید است.

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

فولادوند: پس وقتی ترس ابراهیم زایل شد و مزده [فرزنددار شدن] به او رسید در باره قوم لوط با ما [به قصد شفاعت] چون و چرا می‌کرد

مکارم: هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست و بشارت به او رسید، با ما، درباره قوم لوط مجادله می‌کرد.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾

فولادوند: زیرا ابراهیم بردبار و نرمدل و بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود

مکارم: چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود.

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾

فولادوند: ای ابراهیم از این [چون و چرا] روی برتاب که فرمان پروردگارت آمده و برای آنان عذابی که بی‌بازگشت است خواهد آمد

مکارم: ای ابراهیم از این کار صرف نظر کن که فرمان پروردگارت فرا رسیده و عذاب (الهی) بطور قطع به سراغ آنها می‌آید و برگشت ندارد.

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾

فولادوند: و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند به [آمدن] آنان ناراحت و دستش از حمایت ایشان کوتاه شد و گفت امروز روزی سخت است

مکارم: و هنگامی که رسولان ما به سراغ لوط آمدند از آمدنشان ناراحت شد و قلبش پریشان گشت و گفت امروز روز سختی است!

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾

فولادوند: و قوم او شتابان به سویش آمدند و پیش از آن کارهای زشت می‌کردند [لوط] گفت ای قوم من اینان دختران منند آنان برای شما پاکیزه‌ترند پس از خدا بترسید و مرا در کار مهمانانم رسوا مکنید آیا در میان شما آدمی عقل‌رس پیدا نمی‌شود
مکارم: و قومش به سرعت به سراغ او آمدند - و قبلاً کارهای بد انجام می‌دادند - گفت ای قوم من! اینها دختران منند، برای شما پاکیزه‌ترند (با آنها ازدواج کنید و از اعمال شنیع صرف‌نظر نمائید) از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم رسوا مسازید، آیا در میان شما یک مرد رشید وجود ندارد؟!

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾

فولادوند: گفتند تو خوب می‌دانی که ما را به دخترانت حاجتی نیست و تو خوب می‌دانی که ما چه می‌خواهیم

مکارم: گفتند تو که میدانی ما حق (و میلی) در دختران تو نداریم و خوب میدانی ما چه می‌خواهیم؟!

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾

فولادوند: [لوط] گفت کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم

مکارم: گفت (افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می‌دانستم با شما ددمنشان چه کنم؟!).

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتِكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

فولادوند: گفتند ای لوط ما فرستادگان پروردگار تویم آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت پس پاسی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت ده و هیچ کس از شما نباید واپس بنگرد مگر زنت که آنچه به ایشان رسد به او [نیز] خواهد رسید بی‌گمان وعده‌گاه آنان صبح است مگر صبح نزدیک نیست

مکارم: گفتند: ای لوط! ما رسولان پروردگار تویم، آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد، در دل شب با خانواده‌ات (از این شهر) حرکت کن و هیچک از شما پشت سرش را نگاه نکند، مگر همسر تو که او هم بهمان بلائی که آنها گرفتار می‌شوند گرفتار خواهد شد، موعد آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟!

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ﴿٨٢﴾

فولادوند: پس چون فرمان ما آمد آن [شهر] را زیر و زیر کردیم و سنگ‌پاره‌هایی از [نوع] سنگ گلهای لایه لایه بر آن فرو ریختیم
مکارم: هنگامی که فرمان ما فرا رسید آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ: گلهای متحجر متراکم بر روی هم بر آنها نازل نمودیم.

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾

فولادوند: [سنگهایی] که نزد پروردگارت نشان‌زده بود و [خرابه‌های] آن از ستمگران چندان دور نیست
مکارم: (سنگهایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از ستمگران دور نیست.

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿٨٤﴾

فولادوند: و به سوی [اهل] م د ی ن برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را پرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمان و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم
مکارم: و به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، گفت ای قوم من! الله را پرستش کنید که جز او معبود دیگری برای شما نیست و پیمان و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید) من خیر خواه شما هستم و من از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم!

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

فولادوند: و ای قوم من پیمانۀ و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید
مکارم: و ای قوم من!، پیمانۀ و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد مکنید.

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

فولادوند: اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم
مکارم: سرمایه حلالی که خداوند برای شما باقی گذارده برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید، و من پاسدار شما (و مامور بر اجبارتان به ایمان) نیستم.

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ
 الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾

فولادوند: گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه‌ای

مکارم: گفتند: ای شعیب آیا نماز تو را دستور می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند ترك گوئیم؟ و آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟ تو مرد بردبار و رشیدی هستی؟

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

فولادوند: گفت ای قوم من بیندیشید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم] من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم

مکارم: گفت: ای قوم من! هر گاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم و رزق خوبی بمن داده باشد (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟) من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم خودم مرتکب شوم، من جز اصلاح تا آنجا که توانائی دارم نمی‌خواهم، و توفیق من جز به خدا نیست، بر او توکل کردم و به سوی او باز گشتم.

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾

فولادوند: و ای قوم من زنهار تا مخالفت شما با من شما را بدانجا نکشاند که [بلایی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما [نیز] برسد و قوم لوط از شما چندان دور نیست

مکارم: و ای قوم من دشمنی و مخالفت با من سبب نشود که شما بهمان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند گرفتار شوید، و قوم لوط از شما چندان دور نیست.

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾

فولادوند: و از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است

مکارم: از پروردگار خود آمرزش بطلبید و به سوی او باز گردید که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است.

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا

بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾

فولادوند: گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعا سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی

مکارم: گفتند ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی ما نمی‌فهمیم، و ما تو را در میان خود ضعیف می‌یابیم، و اگر بخاطر احترام قبیله کوچکت نبود تو را سنگسار می‌کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری.

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيَّ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾

فولادوند: گفت ای قوم من آیا عشیره من پیش شما از خدا عزیزتر است که او را پشت‌سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید] در حقیقت پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد

مکارم: گفت: ای قوم! آیا قبیله کوچک من نزد شما از خداوند، عزیزتر است در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته‌اید؟ پروردگارم با آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد (و آگاه است).

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾

فولادوند: و ای قوم من شما بر حسب امکانات خود عمل کنید من [نیز] عمل می‌کنم به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم

مکارم: ای قوم! هر کاری از دستتان ساخته است انجام دهید من هم کار خود را خواهم کرد! و به زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغ او می‌آید و چه کسی دروغگو است، شما انتظار بکشید من هم در انتظارم.

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي

دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩٤﴾

فولادوند: و چون فرمان ما آمد شعيب و كسانى را كه با او ايمان آورده بودند به رحمتى از جانب خویش نجات داديم و كسانى را كه ستم کرده بودند فریاد [مرگبار] فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند

مكارم: و هنگامى كه فرمان ما فرا رسید شعيب و آنها را كه با او ايمان آورده بودند، به رحمت خود، نجات داديم و آنها را كه ستم کردند صیحه (آسمانى) فرو گرفت و در دیار خود به رو افتادند (و مردند).

كَأَن لَّمْ يَعْزُبُوا فِيهَا إِلَّا بُعْدًا لِّمَدْيِنَ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾

فولادوند: گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند هان مرگ بر [مردم] مدین همان گونه كه ثمود هلاك شدند

مكارم: آنچه‌ان كه گویی هرگز از ساكنان آن دیار نبودند، دور باد مدین (از رحمت خدا) همانگونه كه قوم ثمود دور شدند!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾

فولادوند: و به راستى موسى را با آیات خود و حجتى آشكار

مكارم: ما موسى را با آیات خود و دلیل آشکار فرستادیم.

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

فولادوند: به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون صواب نبود

مكارم: به سوی فرعون و اطرافیان‌ش، اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند در حالی كه فرمان فرعون مایه رشد و نجات نبود.

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾

فولادوند: روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش درمی‌آورد و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان است

مكارم: او در پیشاپیش قومش روز قیامت خواهد بود و آنها را (بجای چشمه‌های زلال بهشت) وارد آتش می‌کند و چه بد است كه آتش آبگاه انسان باشد.

وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بئسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾

فولادوند: و در این دنیا و روز قیامت به لعنت بدرقه شدند و چه بد عطایی نصیب آنان می‌شود

مكارم: آنها در این جهان و روز قیامت از رحمت خدا دور خواهند بود و چه بد عطائی به آنها داده میشود.

ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقِصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾

فولادوند: این از خبرهای آن شهرهاست كه آن را بر تو حكایت می‌كنیم بعضی از آنها [هنوز] بر سر پا هستند و [بعضی] بر باد رفته‌اند

مكارم: این از خبرهای شهرها و آبادیهاست كه ما برای تو باز گو می‌کنیم، كه بعضی (هنوز) بر پا هستند و بعضی درو شده‌اند (و

از میان رفته‌اند).

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾

فولادوند: و ما به آنان ستم نکردیم ولی آنان به خودشان ستم کردند پس چون فرمان پروردگارت آمد خدایانی که به جای خدا [حقیقی] می‌خواندند هیچ به کارشان نیامد و جز بر هلاکت آنان نیفزود

مکارم: ما به آنها ستم نکردیم بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید خدایانی را که غیر از الله می‌خواندند آنها را یاری نکردند و جز هلاکت بر آنها نیفزودند.

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾

فولادوند: و این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می‌گرفت آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است

مکارم: و اینچنین است مجازات پروردگار تو هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می‌کند، (آری) مجازات او دردناک و شدید است!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾

فولادوند: قطعاً در این [یادآوریها] برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد عبرتی است آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می‌آورند و آن [روز] روزی است که [جملگی در آن] حاضر می‌شوند

مکارم: در این نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد، همان روزی است که مردم در آن جمع می‌شوند، و روزی که همه آنرا مشاهده می‌کنند.

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ ﴿١٠٤﴾

فولادوند: و ما آن را جز تا زمان معینی به تاخیر نمی‌افکنیم

مکارم: و ما آنرا جز تا زمان محدودی تاخیر نمی‌اندازیم.

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾

فولادوند: روزی [است] که چون فرا رسد هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید آنگاه بعضی از آنان تیره‌بخندند و [برخی] نیک‌بخت **مکارم:** آن روز که (قیامت) فرا رسد هیچکس جز به اجازه او سخن نمی‌گوید گروهی از آنها شقاوت‌مندند و گروهی سعادت‌مند (گروهی بدبختند و گروهی نیک‌بخت).

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾

فولادوند: و اما کسانی که تیره‌بخت‌شده‌اند در آتش فریاد و ناله‌ای دارند

مکارم: اما آنها که شفاوتمند شدند در آتشاند، و برای آنها زفیر و شهبیق (ناله‌های طولانی دم و باز دم) است.

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾

فولادوند: تا آسمانها و زمین برجاست در آن ماندگار خواهند بود مگر آنچه پروردگارت بخواهد زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد

مکارم: جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین بر پاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد که پروردگارت هر چه را اراده کند انجام می‌دهد.

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ
مَجْدُودٍ ﴿١٠٨﴾

فولادوند: و اما کسانی که نیکبخت‌شده‌اند تا آسمانها و زمین برجاست در بهشت جاودانند مگر آنچه پروردگارت بخواهد [که این] بخششی است که بریدنی نیست

مکارم: اما آنها که سعادت‌مند شدند در بهشت جاودانه خواهند بود، ما دام که آسمانها و زمین بر پاست مگر آنچه پروردگارت بخواهد، بخششی است قطع نشدنی!

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ
مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾

فولادوند: پس در باره آنچه آنان [=مشرکان] می‌پرستند در تردید مباش آنان جز همان گونه که قبلا پدرانشان می‌پرستیدند نمی‌پرستند و ما بهره ایشان را تمام و ناکاسته خواهیم داد

مکارم: شك و تردیدی در معبودهایی که آنها می‌پرستند بخود راه مده، آنها همان گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که پدرانشان قبلا می‌پرستیدند، و ما نصیب آنها را بیکم و کاست خواهیم داد.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ
مُرِيبٍ ﴿١١٠﴾

فولادوند: و به حقیقت ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم پس در مورد آن اختلاف شد و اگر از جانب پروردگارت وعده‌ای پیشی نگرفته بود قطعا میان آنها داوری شده بود و بی گمان آنان در باره آن در شکی بهتان‌آمیزند

مکارم: ما کتاب آسمانی به موسی دادیم سپس در آن اختلاف کردند، و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه آزمایش و اتمام حجت بر آنها) نبود در میان آنها داوری می‌شد، و آنها (هنوز) در شك اند شکی آمیخته با سوء ظن و بدبینی.

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾

فولادوند: و قطعاً پروردگارت [نتیجه] اعمال هر يك را به تمام [و کمال] به آنان خواهد داد چرا که او به آنچه انجام می‌دهند آگاه است

مکارم: و پروردگار تو اعمال هر يك را بیکم و کاست به آنها خواهد داد، او به آنچه عمل می‌کنند آگاه است.

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾

فولادوند: پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان نکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست

مکارم: بنابراین همانگونه که فرمان یافته‌ای استقامت کن همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند و طغیان نکنید که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿١١٣﴾

فولادوند: و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد

مکارم: و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرو گیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾

فولادوند: و در دو طرف روز [=اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار زیرا خوبیها بدیها را از میان می‌برد این برای پندگیرندگان پندی است

مکارم: نماز را در دو طرف روز و اوائل شب برپا دار، چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) بر طرف می‌سازند، این تذکری است برای آنها که اهل تذکرند.

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾

فولادوند: و شکبیا باش که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند

مکارم: و شکبائی کن که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾

فولادوند: پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند جز اندکی از کسانی که از

میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند
مکارم: چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند، مگر اندکی از آنها که نجاتشان دادیم و آنها که ستم می‌کردند از تنعم و تلذذ پیروی کردند و گناهکار بودند (و نابود شدند).

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

فولادوند: و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرند به ستم هلاک کند
مکارم: و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را به ظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلیش در صدد اصلاح بوده باشند.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾

فولادوند: و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد در حالی که پیوسته در اختلافند
مکارم: و اگر پروردگارت می‌خواست همه مردم را امت واحدی (بدون هیچگونه اختلاف) قرار می‌داد، ولی آنها همواره مختلفند.

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾

فولادوند: مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که] البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهیم کرد
مکارم: مگر آنچه پروردگارت رحم کند و برای همین (پذیرش رحمت و در سایه آن تکامل) آنها را آفرید و فرمان پروردگارت قطعی است که جهنم را از (سرکشان و طاغیان) جن و انس پر خواهیم کرد.

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾

فولادوند: و هر يك از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم و در اینها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است
مکارم: ما از هر يك از سرگذشت‌های انبیاء را برای تو باز گو کردیم تا قلبت آرام (و اراده‌ات قوی) گردد و در این (اخبار و سرگذشت‌ها) حق و موعظه و تذکر برای مؤمنان آمده است.

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾

فولادوند: و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو بر حسب امکانات خود عمل کنید که ما [هم] عمل خواهیم کرد
مکارم: و به آنها که ایمان نمی‌آورند بگو هر چه در قدرت دارید انجام دهید ما هم انجام می‌دهیم؟

وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾

فولادوند: و منتظر باشید که ما [نیز] منتظر خواهیم بود

مکارم: و انتظار بکشید ما هم منتظریم!

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

﴿١٢٣﴾

فولادوند: و نهان آسمانها و زمین از آن خداست و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود پس او را پرستش کن و بر او توکل نما و

پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهی غافل نیست

مکارم: و برای خدا است غیب (و اسرار نهان) آسمانها و زمین و همه کارها به او باز می‌گردد، او را پرستش کن و بر او توکل نما و

پروردگارت غافل از کارهایی که می‌کنی نیست.

